

اولویت بندی درجه توسعه یافتگی شهر های جدید استان تهران (پرند، پردیس، اندیشه، هشتگرد) به روش تاکسونومی

محمد مختاری، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

دکتر عبدالله هندیانی، عضو هیات علمی (دانشیار) دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران

دریافت مقاله: 1396/07/07

اکسپت: 1396/11/10

چکیده

توسعه و کاهش نابرابری های منطقه ای از موضوعات مهم در کشورهای در حال توسعه محسوب می شود. عدم توازن در جریان توسعه بین مناطق مختلف موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه ای می شود که خود مانعی در مسیر توسعه است. هدف این تحقیق، مطالعه و بررسی وضعیت توسعه یافتگی شهرهای جدید تهران (پردیس، پرند، هشتگرد و اندیشه) بر اساس شاخص های آموزشی، بهداشتی و زیرساخت با استفاده از روش تاکسونومی عددی می باشد و به عنوان ابزار سنجش درجه توسعه یافتگی مورد توجه قرار گرفته است. تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی است. در این پژوهش، با استفاده از 7 شاخص آموزشی، 6 شاخص بهداشتی و 5 شاخص زیرساخت به تعیین درجه توسعه یافتگی در سطح شهرهای جدید تهران پرداخته شد. روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه ای و پیمایشی بوده که از درگاه مرکز آمار ایران و سایت های رسمی سازمان ها جمع آوری گردید و با استفاده از تکنیک تاکسونومی عددی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می دهد؛ بر اساس متغیرهای مرتبط با این شاخص ها پردیس در رتبه اول توسعه یافتگی، هشتگرد و اندیشه در رتبه دوم و شهر جدید پرند در رتبه سوم توسعه یافتگی قرار گرفتند. بر اساس یافته ها شهرهای کمتر برخوردار باید در اولویت برنامه های توسعه ای دولت قرار گیرد. تخصیص منابع به بخش آموزش، بهداشت و زیرساخت ها، می تواند نابرابری و شکاف بین شهرها را کاهش دهد.

Development and reducing inequalities between regionals considered as a main issue in developing countries. Disparities in developing process between different regions result in a gap and intensify regional inequalities that it is an obstacle for developing process.

The purpose of this research is the study and investigation of the developmental situation of the new cities of Tehran (Pardis, Parand, Hashtgerd, and Andisheh) in the field of connected options with educational, hygienic and sub-structural indicators by the method of Numerical Toxonomy and is considered as the means of measurement of the developmental degree. In this research, it has been embarked the statement of developmental degree in the level of the new cities of Tehran by means of 7 educational options, 6 hygienic options, and 5 sub-structural options. The method of information gathering has been the Librarial and Measurmental type and has been analyzed by the method of Numerical Toxonomy.

The result of this research has shown that based on connected options with these indicators, Pardis has been considered in the first degree of development, Hashtgerd and Andisheh in the second degree and Parand new city in the third degree of development.

According to results disadvantaged cities should be a priority of developing programs of government. Allocating the resources to education and health sector and infrastructures could reduce inequalities and gap between cities.

Key Words

Development, New cities, Numerical Toxonomy

کلمات کلیدی: توسعه یافتگی، شهرهای جدید، تاکسونومی عددی

مقدمه

طی دهه‌های اخیر، توسعه به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های جهانی همواره توجه سیاستمداران و برنامه‌ریزان اقتصادی - اجتماعی را به خود جلب کرده است؛ در راستای دستیابی به توسعه پایدار در عرصه‌های سکونت‌گاهی کشورها اعم از شهر و روستا، شناخت روند تحولات گذشته، تحلیل وضع موجود و ترسیم فضای مطلوب آنها ضروری است. به عبارت دیگر، شناخت توانمندی‌های محلی و می‌زان خدمات موجود در هر منطقه و در پی آن، تعیین سطوح توسعه‌یافتگی این نواحی سکونت‌گاهی به ویژه شهرهای جدید، نخستین گام در فرایند برنامه‌ریزی و توسعه این مناطق جمعیتی به شمار می‌رود. (نعمتی و همکاران، 1395)

هدف توسعه و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای از موضوعات مهم در کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. عدم توازن در جریان توسعه بین مناطق مختلف موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه است. بر این اساس مطالعه نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی منطقه‌ای، یکی از اقدامات پایه‌ای برای برنامه‌ریزی و اصلاحات در جهت تامین رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی است که می‌تواند تخصیص منابع را با هدف رفع نابرابری‌های منطقه‌ای، تحت تاثیر دهد.

امروزه یکی از اهداف عمده برنامه‌ریزی شهرهای جدید، دستیابی به بیشترین می‌زان توسعه‌یافتگی در ابعاد گوناگون در این شهرها است. چرا که شهرهای جدید از امکانات و عوامل رشد مساوی در طول زمان برخوردار نبوده و نیستند و همین امر سبب به وجود آمدن تفاوت‌های آشکاری در کیفیت محیط زندگی آنها و مادرشهرها شده است. (رضایی و همکاران، 1393)

یکی از ارکان توسعه، جامعیت و یکپارچه بودن آن در رفع عدم تعادل‌های اقتصادی و اجتماعی مناطق است. وجود نابرابری و ابعاد مختلف آن از نشانه‌های مهم توسعه‌نیافتگی است که رفع چنین کمبودهای مستلزم نگرش و توجه جدی به نحوه پراکندگی شاخص‌های توسعه در سطوح مختلف است. (عسکری و همکاران، 1392)

توسعه را باید جریانی دانست که مستلزم تغیرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع و حالتی از زندگی مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد. به منظور رسیدن به این موضوع و کامیابی در این راه باید به برنامه‌ریزی توسعه اهمیت داده شود.

مشکلات عظیم شهرهای جدید بی‌انگرسنت که تحولات زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، کالبدی و عملکردی باید آنچنان رخ دهد و ادامه یابد که متضمن توسعه پایدار و ساماندهی و تداوم کیفیت‌ها باشد (پورجعفر و همکاران 1390)

واقعیت این است که از لحاظ شاخص‌های اقتصادی، بهداشتی، آموزشی و زیرساخت بین جوامع مختلف و شهرهای مختلف تفاوت‌های معناداری وجود دارد. با این حال تفاوت‌ها و نابرابری‌های منطقه‌ای از جنبه‌های مختلف و عدم شناسایی کامل این نابرابری‌ها و تفاوت‌ها، مانع از برنامه‌ریزی دقیق شده است. (سرور و خلیجی 1394)

بنابراین اولین اقدام برای از بین بردن و کاهش تفاوت‌ها و نابرابری‌ها باید میزان برخورداری از منابع و امکانات هر کدام از نواحی را سنجید و سپس با برنامه‌ریزی‌های مناسب و در اولویت قرار دادن آنها در برنامه‌های توسعه به رفع نابرابری‌ها و محرومیت اقدام کرد. پژوهش حاضر با هدف تعیین مهمترین عوامل مؤثر در توسعه شهرهای جدید استان تهران در سه بعد آموزشی، بهداشتی و زیرساخت‌ها و بررسی تفاوت‌ها و طبقه‌بندی آنها از نظر میزان توسعه‌یافتگی انجام خواهد شد. وسؤال تحقیق به این صورت است: شاخص‌های اصلی مؤثر بر توسعه‌یافتگی شهرهای جدید استان تهران کدام است؟ و سطوح توسعه‌یافتگی آنها و اولویت توسعه‌یافتگی در این شهرها از نظر آموزشی و بهداشتی و زیرساخت‌ها چگونه و چه میزان می‌باشد؟

اهداف تحقیق

هدف اصلی :

اولویت بندی درجه توسعه‌یافتگی شهرهای جدید استان تهران

اهداف فرعی :

تعیین سطح شاخص بهداشت و درمان توسعه‌یافتگی شهرهای جدید استان تهران

تعیین سطح شاخص آموزشی توسعه‌یافتگی شهرهای جدید استان تهران

تعیین سطح شاخص زیربنایی توسعه‌یافتگی شهرهای جدید استان تهران

تعیین اولویت بندی درجه توسعه‌یافتگی شهرهای جدید استان تهران از بُعد شاخص‌های بهداشت و درمان،

آموزشی و زیربنایی

ادبیات نظری و پیشینه

توسعه

امروزه مقوله توسعه دغدغه خاطر بسیاری از کشورهاست. به زبان ساده، توسعه چیزی جز رضایت بخش تر کردن وضعیت زندگی مردم نیست. (عسکری و همکاران 1392). ریشه تاریخی استفاده از عبارت کیفیت زندگی را می‌توان در آثار کلاسیک ارسطو یافت. وی از رابطه بین کیفیت زندگی هنگام شادی و ارزش های ذهنی افراد سخن می‌گوید. برخی از محققان "رضایت از زندگی را به عنوان مؤلفه اصلی کیفیت زندگی مورد تأکید قرار می‌دهند و درخصوص آن چهار نوع رضایت از زندگی را بر می‌شمارند:

رضایت ناشی از "داشتن" که متاثر از برخورداری افراد از امکانات می‌باشد.

رضایت ناشی از "ارتباط" که معطوف به روابط اجتماعی است.

رضایت ناشی از "بودن" که پنداشت فرد نسبت به خویشتن و تعریف از کیستی خود بوده و دلالت بر معناداری و کنترل بر زندگی خود در مقابل از خود بیگانگی دارد.

رضایت ناشی از "اقدام و عمل" که بیشتر معطوف به چگونگی زمان در اختیار، در قالب اوقات فراغت می‌شود.

(براتی و شاه آبادی، 1392)

در اکثر کشورهای در حال توسعه یک یا دو منطقه و در نهایت چند منطقه وضعیت مناسب خدمات عمومی و بالطبع شکوفایی اقتصادی، اجتماعی دارند و نقش عمده‌ای را در ایجاد درآمد و تولید ملی ایفا می‌کنند. این امر به بهای عقب نگه داشتن مناطق دیگر و افزایش شکاف و نابرابری بین مناطق و نواحی است. می‌توان به جرأت اظهار کرد که چنین وضعیتی بر اکثر قریب به اتفاق مناطق و استان‌های مختلف ایران حاکم است، و شهرهای جدید استان تهران نیز از این قاعده مستثنی نیست.

در جستجوی معنی و مفهوم نظری برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای، آر. پی. می‌سرا نظریه‌های توسعه منطقه‌ای را از لحاظ کارکردی به چهار دسته تقسیم بندی نموده است، 1- نظریه‌های مکانی که مکان فعالیت بشری را در ارتباط با نیروی بازار تبیین می‌نمایند و تأثیر کانون نیروهای بازار بر توسعه ناحیه‌های همجوار و دوردست را توضیح می‌دهند. 2- نظریه‌های جغرافیایی که بیشتر نظریه‌های در مورد منطقه بندی را شامل می‌شود. 3- نظریه‌های کالبدی برنامه‌ریزی شهری که بیشتر جنبه‌های برنامه‌ریزی فضای و دیدگاه‌های زیباشناسی و معمارانه را مطرح می‌کند؛ 4- نظریه‌های اقتصادی که شامل اقتصادشناسی منطقه است. مسائلی که برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای با آن مواجه است، برخی دارای اهمیت ملی و بخشی دارای اهمیت منطقه‌ای می‌باشند. در سطح ملی، منطقه‌ای بهره‌مندی از منابع طبیعی، منطقه‌های فقیر از لحاظ منابع، مسائل ناحیه‌ای مادر شهر، شکافها فرهنگی و قومی و همچنین مسائل مربوط به امنیت ملی از جمله مسائل مهم به شمار می‌روند، و در سطح منطقه‌ای، توسعه نواحی روستایی، توسعه صنعتی منطقه و محیط زیست دارای اهمیت هستند. (محمودی و زیاری، 1393)

طرفداران نظریه نئوکینزی یا پایه اقتصادی، نظریه فعالیت های اقتصادی منطقه را به دو بخش پایه (صادراتی) و غیرپایه تقسیم می‌کنند. اینان موتور رشد و نیروی محرک اقتصاد منطقه را درآمد ناشی از بخش صادرات می‌دانند (صباغ کرمانی، 1380). بنابراین، براساس این نظریه رشد و توسعه ناحیه به صادرات وابسته است. صادرات

به عنوان تنها متغیری که مقدار آن در قیاس با دیگر متغیرها تعیین کننده رشد و توسعه ناحیه است و تنها محرک رشد اقتصاد ناحیه ای به شمار می آید، به رسمیت شناخته شده است. (زیاری و همکاران، 1388)

پیترهال نیز معتقد است که مهم ترین هدف سیاست اقتصاد ناحیه ای، به منظور کاهش نابرابری های آن، ایجاد اشتغال است که به کاهش بیکاری و مهاجرت فرستی در ناحیه کمک می کند (هال، 1992). نظریه های هیرشمن و میردال شامل عناصری هستند که پرو آن را قطب رشد می نامد نظریه قطب رشد اساساً متمایل به کارایی اقتصادی است، اما این کارایی در مقایسه با تحلیل های ایستایی نظریه ای نئوکلاسیک، پویایی بیشتری دارد و توسعه آن را به دنبال خواهد داشت.

تأکید شده است که با سیاست گذاری منطقه ای می توان توسعه قطب های رشد را تقویت کرد و از این طریق منافع به هم پیوسته چندی به دست آورد. در سال های گذشته، سیاست توسعه کشور از نظریه قطب رشد تبعیت کرده است. در این راهبرد به شهرها اولویت داده می شود، تا توسعه اجتماعی اقتصادی شهرها موجب توسعه اجتماعی اقتصادی روستاها شود و شهرها طی سازوکار مرسوم به "گسترش"، تولید کشاورزی نواحی مجاور خود را تحرک بخشند. شواهد حاکی از آن اند که با اجرای سیاست قطب رشد شهرها نتوانستند خدمات لازم را ارائه دهند و موجب حرکت نقاط روستایی شوند. (زیاری و همکاران، 1389)

طبیعی است که این نظریه که کلیه امکانات و قابلیت های موجود را با حداکثر بهره برداری در فضای محدودی به کار می گیرد و بیش از ظرفیت های موجود از آن بهره برداری می کند، به کلی مغایر با مبانی توسعه همگن با محیط زیست است، که این نیز از دیگر مشکلات و ضعف های این نظریه است. این نظریه با اینکه تأثیری فراوان در برنامه ریزی منطقه ای داشت ولی به علت تکیه بیش از حد بر صنایع پیشاهنگ و بی توجهی به غلبه اثر جذب به اثر پخش مشکلات فراوانی در اجرایی کردن این نظریه پیش روی برنامه ریزان گذاشت. (احمدی و اسماعیل زاده، 1393)

آموزش و توسعه

آموزش از دی رباز به عنوان یکی از پایه های اصلی و عوامل تعیین کننده توسعه اقتصادی و اجتماعی شناخته شده است. اما طی سال های اخیر، که پیشرفتهای تکنولوژیکی و روشهای نوین تولید، نظامهای اقتصادی جهان را دگرگون ساخته و روابط بین آنها را تغییر داده است، آموزش در فرآیند توسعه نقش مهم تری یافته است. در حقیقت، ابداع و به کارگیری تکنولوژی های نوین و روش های جدید تولید، متکی به نیروی کاری است که به خوبی آموزش دیده و از نظر فکری دارای انعطاف باشد این امر ضرورت سرمایه گذاری بیشتر در امر آموزشی را نشان می دهد. (ملکی و همکاران، 1394)

در اهمیت این امر کافی است گفته شود که در نظام آموزش و پرورش ایران نزدیک به یک میلیون و یکصد و سی هزار مدیر معاون، مشاور، مربی، معلم و سایر کارمندان، امور آموزش و پرورش حدود 13 میلیون دانش آموز را در 114 هزار واحد آموزشی برعهده گرفته و بودجه ای بالغ بر 14 هزار میلیارد تومان در این راه هزینه می شود (صافی، 1390)

امروزه حق برخورداری از آموزش و پرورش به مفهوم برخورداری از آموزشی است که از کیفیت مطلوبی برخوردار باشد و برخورداری یکسان همگان از آموزش و پرورش به منزله‌ی این که هر کس در داخل نظام آموزشی، فرصت و امکان توفیق مساوی داشته باشد، تلقی می‌شود. به همین جهت تمامی استراتژی‌هایی که در زمین‌هی همگانی ساختن آموزش و پرورش به کار می‌رود، یک هدف را دنبال می‌کنند و آن برخورداری برای همگان از فرصتهای آموزش با کیفیت مطلوب می‌باشد. بدین منظور تلاش می‌شود تا فرصت‌های آموزشی یکسان را برای گروه‌های مختلف لازم‌التعلیم فراهم سازند و موانع و محدودیت‌های طبقاتی، منطقه‌ای و جنسیتی را از میان بردارند (اسماعیل سرخ، 1380).

در حال حاضر نابرابری‌های آموزشی، یکی از مقوله‌های بسیار مهم در حوزه برنامه ریزی آموزشی است که سهم و نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش و بهبود آموزش دارد. هنگامی که از نابرابری یا برابری فرصت صحبت می‌شود. منظور نابرابری فرصت بین دختران و پسران در برخورداری از آموزش، نابرابری بین اقلیت‌های مذهبی یا نابرابری در دسترسی به امکانات آموزشی در بین مناطق مختلف کشور می‌باشد. (شی‌رکرمی و بختی‌ارپور، 1392)

کومبز¹ از اندیشمندان پیشرو در زمینه برنامه ریزی آموزش و پرورش بر این اعتقاد است که برنامه ریزی آموزشی و توسعه مناسب آن منجر به ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی می‌شود و برای تحقق این امر مهم، منابع در دسترس آموزش را می‌باید به سطوح و اجزای مختلف نظام آموزشی تسری داد. (معروفی، 1379)

با توجه به مطالبی که مطرح شد، اهمیت آموزش عمومی و به خصوص آموزش پای‌ه‌بیش از پیش روشن گردید. می‌توان گفت منظور از فرصت‌های آموزشی برابر، به معنی داشتن شانس مساوی کلی‌ه لازم‌التعلیمان (اعم از دختر و پسر و شهری یا روستایی) برای ورود به نظام آموزشی و برخورداری از معلمان، امکانات و فضاهای آموزشی مناسب است.

بهداشت و سلامت و توسعه

از اوایل دهه 90 که مفهوم توسعه انسانی به عنوان یکی از ملاک‌های ارزیابی توسعه یافتگی مطرح شد، بهبود سلامت و بهداشت جامعه که رکن اساسی این توسعه را تشکیل می‌داد به چالشی برای دولت‌ها مبدل گردید. به عبارت دیگر اگرچه افزایش امکانات بهداشتی و درمانی امری ضروری به شمار می‌رود، اما بهره‌مندی یکسان تمام اقشار جامعه و توزیع عادلانه امکانات نیز رکن اساسی سیاست‌های بهبود سلامت را تشکیل می‌دهد. (ابراهیم پور، 1389)

از طرفی حکومت‌های مختلف جهان، امروزه از جمله موفق‌ترین خدمات خود را به‌ی‌نه‌سازی و ارائه مناسب خدمات بهداشتی و درمانی می‌دانند؛ به طوری که اگر در کشور یا جامعه‌ای مسئله بهداشت و درمان به درستی حل و فصل نشود، این نقصان به عنوان یکی از نقاط ضعف دولت تلقی می‌شود و از جمله عواملی است که سبب نارضایتی وسیع جامعه می‌گردد. (ساهو و داش²، 2009)

در ادبیات اقتصاد بهداشت در واقع سلامت انسان، یک سرمایه تلقی می‌گردد و امور بهداشتی و درمانی با عملکرد خود به افزایش سطح سلامت انسانها (سرمایه‌گذاری خالص) و یا به جایگزینی کردن سلامت از دست رفته به دلیل بروز بیماری و یا حوادث (سرمایه‌گذاری جایگزینی) می‌پردازد. (امینی و

¹ Coombs

² Sahoo, P. & Dash, R. K

همکاران، 1385). در ابتدا به منظور سنجش سطح توسعه یافتگی، تولید ناخالص داخلی و سرانه کشورها با یکدیگر مقایسه و رتبه بندی می شد. ارزیابی توسعه یافتگی با این روش به دلیل عدم در نظر گرفتن میزان عدالت در توزیع خدمات بهداشت و درمانی و... دارای محدودیت بود. (محمودی، 1390). شاخص های متعددی به منظور سنجش سطح توسعه در یک محدوده زمانی و مکانی در نظر گرفته می شود که از اساسی ترین آن ها در هر واحد برنامه ریزی، برخورداری از خدمات مختلف رفاهی و تسهیلات اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی درمانی است. (امانیپور و همکاران، 1391). از آنجایی که انسان سالم، از طرفی محور توسعه پایدار و از طرف دیگر، سلامتی برای بهره مند شدن انسان ها از مواهب توسعه، موضوعی ضروری است؛ توجه به سلامتی و تلاش برای حفظ، ارتقا و گسترش آن، همواره یک اولویت محسوب می شود. (بیاتی و همکاران، 1392)

در دنیای امروزی و در همه جوامع، خدمات سلامت، پیش نیاز توسعه پایدار و همچنین زمینه ساز سلامت جسمی و روانی افراد است؛ لازمه این کار، دسترسی متوازن و متعادل به امکانات و خدمات بخش سلامت در نواحی مختلف جغرافیایی می باشد. (طهاری مهرجردی و همکاران، 1391)

زی‌ساخت ها و شاخص های زی‌ربنایی و توسعه

توسعه‌ی زی‌ساختها از الزامات مهم رشد اقتصادی و افزایش رفاه عمومی به شمار می‌رود. سرمایه‌گذاری مستقیم بر روی زی‌ساختها باعث فراهم شدن امکانات تولیدی شده و فعالیتهای اقتصادی را تحریک نموده و با کاهش هزینه‌های تجارت و انتقالات باعث بهبود رقابت‌پذیری می‌شوند و در نهایت به توسعه و رشد اقتصادی کمک می‌نمایند. امروزه حمل‌ونقل جاده‌ای، به عنوان یکی از مهمترین شاخصهای توسعه‌ی اقتصادی به حساب می‌آید. (زیاری و همکاران، 1395)

کارشناسان و اقتصاددانان، بر این باورند که برای توسعه‌ی یک واحد اقتصادی می‌بایست دو واحد توسعه حمل و نقلی جاده‌ای را ایجاد کرد بهبود زندگی مردم، در چارچوب فرایند توسعه، یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های دولت‌های امروزی به شمار می‌رود، کشورهای مختلف می‌کوشند با افزایش شتاب فرایند توسعه، علاوه بر بهبود سطح رفاه جامعه، جای‌گاه و نقش خود را در معادلات جهانی ارتقاء دهند (اسنیسکا و دراکسایت¹، 2007) یکی از مهمترین زی‌ساخت‌های توسعه اقتصادی، شبکه‌های حمل و نقل، و به طور خاص، زی‌ساختهای حمل و نقل جاده‌ای است (شریفی، 1390) توسعه شبکه حمل و نقل جاده‌ای، به طور سنتی از وظایف دولت‌ها به شمار می‌رود، اهمیت بالای این زی‌ساختها در فرایند توسعه و نقش آن در رشد سایر بخشهای اقتصادی از یک سو، و افزایش سطح خدمت‌رسانی به عموم و ارتقای شاخص‌های اجتماعی از سوی دیگر، دولت‌ها را بر آن می‌دارد تا برای تقویت و توسعه این زی‌ساختها تدابیر مناسب بیندیشند، یکی از روشهای ممکن، ورود مستقیم دولت به سرمایه‌گذاری در این حوزه است، اما محدودیت منابع مالی، طولانی بودن فرایندهای تصمیم‌گیری و کارآیی

¹ Snieska, V. & Draksaite, A

پایین اجرای پروژه‌ها توسط دولت، پی‌شرفت در توسعه این زیرساخت‌ها را با موانع جدی روبه‌رو می‌کند (ژنگ و همکاران¹، 2011) روش دیگری، استفاده از توانایی مالی و اجرایی بخشهای غیردولتی اعم از شرکتهای واجد صلاحیت خصوصی، سرمایه‌گذاران خارجی، بانکهای داخلی و بین‌المللی با توانایی تأمین منابع مالی مورد نیاز، و نیز برخوردار از کارآیی اجرایی بی‌شتر در مقایسه با دولت است. (همان)

روزنشتای رودان دولت را مهم‌ترین و مسؤول‌ترین مرجع و منبع برای انجام سرمایه‌گذاری زیربنایی توسعه می‌داند به عقیده او: "صنعتی شدن به معنای شهرنشینی شدن است. شهرها مناطقی هستند که سطح دستمزد در آن بالنسبه بالاتر است.

سرمایه‌گذاری زیربنایی باید از طریق سرمایه‌گذاری دولتی بسیج و برنامه‌ریزی شود. "رودان واضح نظریه‌ای است که به "جهش بزرگ" موسوم شده است. مفهوم این اصطلاح در دستگاه نظری رودان، آمادگی برای نیل به توسعه است به عقیده او گستردگی توسعه نیافتگی روستاها و وجود مازاد جمعیت روستایی، ضرورت جهش بزرگ را آشکار می‌سازد. روزنشتای رودان به رغم توجه اصولی به توسعه روستایی و کشاورزی، اساساً طرفدار توسعه صنعتی و شهری بزرگ مقیاس است. او توصیه می‌کند که "وظیفه خطی‌ریک برنامه توسعه اقتصادی دسترسی به سرمایه‌گذاری کافی است تا بی‌کاران و افراد کم‌اشتغال را در جهت صنعتی کردن بسیج کند و به کار گمارد. (استراب²، 2008)

روزنشتای رودان³ را می‌توان مبشر دخالت دولت در امور اقتصادی به منظور فراهم سازی شرایط توسعه دانست. ای‌جاده نظام برنامه‌ریزی دولتی در بسیاری از کشورهای جهان سوم از اوائل دهه 1960 را می‌توان معلول نفوذ نظریه و الگویی از توسعه دانست که رودان در تدوین آن سهم به‌سزایی داشت. (امیری و همکاران، 1392)

نقش زیرساختها در توسعه اقتصادی در مطالعات بسیاری به اثبات رسیده است و در بیشتر مطالعات بیان شده است که عرضه مناسب خدمات زیرساختها جزء ضروری برای بهره‌وری و رشد اقتصادی است. توسعه زیرساختهای اجتماعی و اقتصادی یکی از عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی، به خصوص در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. همچنین در این کشورها، زیرساختها برای رسیدن به اهداف اصلی توسعه از جمله شهرنشینی، صنعتی شدن، توسعه صادرات، توزیع درآمد و توسعه اقتصادی پایدار ضروری می‌باشند (قربانی و همکاران، 1393)

شهرهای جدید

شهرهای جدید به عنوان ماحصل تفکر، طرح، برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و آرمان شهر در برابر شهرهای بحران زده اواخر قرن نوزدهم که توانایی توزیع و ساماندهی مناسب جمعیت و فعالیت خود را نداشتند معرفی می‌شوند. فرار از مشکلات، این راهکار نو را بدون اینکه ارزیابی مناسبی از شرایط اجتماعی، اقتصادی و فضای خاص و موثر بر چشم اندازهای آن صورت‌گیری رده سرعت در همه شهرها مطرح ساخت. (خمر و وحدتی، 1393)

¹ Zheng

² Straub

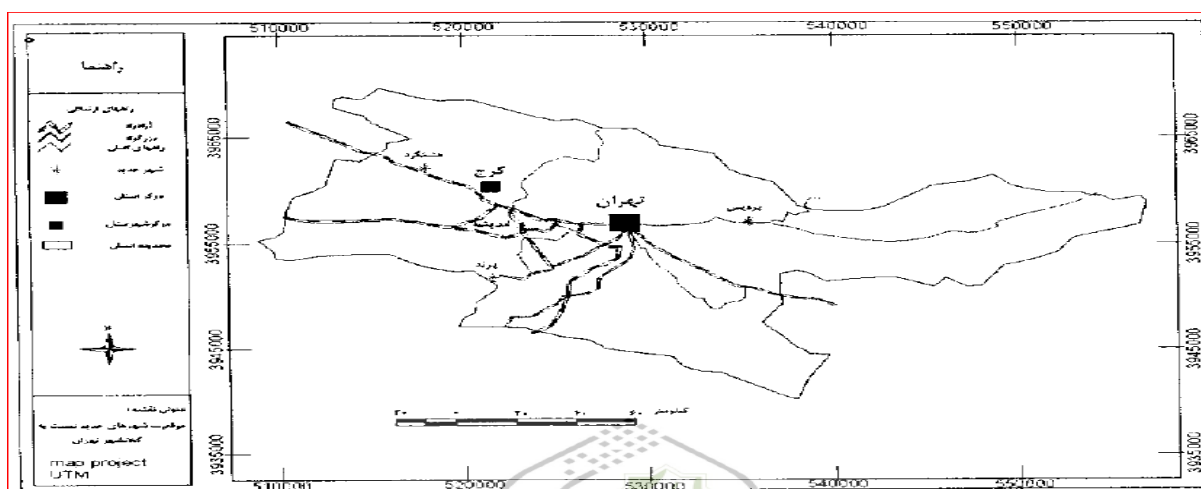
³ Rozenshtein Roodan

در ایران، رشد سریع جمعیت شهری در شهرهای بزرگ کشور و لزوم هدایت سرریز جمعیت و فعالیت های اقتصادی در آینده از شهرهای بزرگ مانند تهران، اصفهان، تبریز، شیراز و مشهد به سوی شهرهای جدید، ایجاد آنها را ضروری ساخته است.

اندیشه ایجاد شهرهای جدید، به معنای امروزی آن، عمدتاً از سال 1360 به بعد بدلیل تحولات اقتصادی و اجتماعی که در کشور بوجود آمد، نضج گرفت. با توجه به گذشت سه دهه از احداث شهرهای جدید در ایران و هزینه های گزافی که در این راه صرف شده است، بررسی میزان دسترسی به اهداف احداث اینگونه شهرها ضروری می باشد. (مشکی نی و همکاران، 1392)

از منظر گونه شناسی و طبقه بندی شهرهای جدید، اکثر شهرهای جدید ایران شهرهای جدید اقماری هستند که در درون حوزه نفوذ کلانشهر خود قرار گرفته اند و ارتباطات محکمی با آن برقرار می سازند، به طوریکه خدمات تخصصی مورد نیاز خود را از آنجا طلب می کنند. کاهش بار جمعیتی و فعالیتی شهرهای بزرگ، نقش عملکردی عمده شهرهای جدید اقماری به شمار می رود. (طلاچی، 383)

محدوده مطالعه این تحقیق چهار شهر جدید اطراف کلانشهر تهران می باشند که عبارتند از پرنده، پردیس، اندیشه و هشتگرد - نیز با چنین اهدافی طرح ریزی و احداث شده اند. که موقعیت آنها نسبت به مادر شهر تهران در شکل (1) آمده است.



شکل 1) موقعیت شهرهای جدید نسبت به شهر تهران (قرخلو و پناهنده خواه، 1388)

متغیرهای تحقیق

براساس مطالعات پیشین، ادبیات تحقیق و تحلیل مسائل کمی و کیفی توسعه یافتگی شاخص های بهداشت و درمان، آموزشی و زیرساختی رای این مطالعه بدر جدول زیر آمده است.

جدول (I) زیر شاخص‌های مربوط به ابعاد مورد بررسی

نرخ سواد	
نرخ باسوادی مردان	
نرخ باسوادی زنان	
تعداد دانشجو به ازای مدرس	شاخص‌های آموزشی
نسبت معلم به دانش آموز	
درصد کتابخانه به ازای 10000 نفر	
مساحت فضاهای آموزشی به ازای 10000 نفر	
تعداد پزشک به ازای هر 10000 نفر	
تعداد دندانپزشک به ازای 10000 نفر	
تعداد خانه بهداشت به ازای هر 10000 نفر	
تعداد داروخانه به ازای هر 10000 نفر	شاخص‌های بهداشتی
تعداد مراکز بهداشتی و درمانی به ازای هر 10000 نفر	
تعداد تخت به ازای هر 10000 نفر	
تعداد کارکنان بخش بهداشت به ازای 10000 نفر	
نسبت کل راه‌ها به مساحت شهر	
نسبت کل راه‌ها برای هر 10000 هزار	
میزان ذخی‌ره آب به ازای هر 10000 هزار نفر	شاخص‌های زیرساخت
میزان فاصله تا اولین مترو	
تعداد پایانه حمل و نقل	

روش تحقیق

هدف تحقیق، ارزیابی توسعه یافتگی شهرهای جدید کلانشهر تهران (پردیس، پرند، اندیشه، و هشتگرد) از نظر بهداشتی و آموزشی و زیرساخت با استفاده از روش تاکسونومی می باشد. از این رو، روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است. و با توجه به اینکه نتایج این تحقیق در برنامه ریزی های شهری مورد استفاده قرار خواهد گرفت از نظر هدف کاربردی است.

در این تحقیق پس از شناخت دقیق مسئله، از داده‌های اولیه که به وسیله مطالعات اسنادی به دست می‌آیند و داده‌های ثانویه با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای استفاده می‌شود.

قلمرو مکانی این پژوهش شهروندان شهرهای جدید استان تهران می باشد که شامل شهرهای پردیس، هشتگرد، پرنده، اندیشه می باشد در این پژوهش از آمار و اطلاعات مربوط به شاخص های مورد مطالعه در هر شهر استفاده شده است.

روشهای مختلفی برآورد سطح توسعه یافتگی وجود دارد اما بسیاری از این روش با داشتن محدودیت های همراه هستند که این محدودیت ها ناشی از پیش فرض های در مورد شاخص های توسعه و وزن آنها می باشد. با در نظر گرفتن محدودیت های روش های مختلف برآورد، در این پژوهش سطح توسعه یافتگی شهرهای جدید استان تهران با استفاده از روش تاکسونومی برآورد می شود.

معرفی روش تاکسونومی عددی

تاکسونومی در لغت به معنای طبقه بندی و رده بندی است (ساروخانی و همکاران، 1391) آنالیز تاکسونومی برای طبقه بندی های مختلف در علوم به کار برده می شود که نوع خاص آن تاکسونومی عددی است. بطور کلی آنالیز تاکسونومی عددی یک روش عالی درجه بندی، طبقه بندی و مقایسه فعالیت های مختلف با توجه به درجه بهره مندی و برخورداری آن فعالیت ها از شاخص های مورد بررسی می باشد. از توانایی های عمده این روش آن است که قادر است تا این که دو عمل را در کنار هم انجام دهد: یکی این که مجموعه مورد بررسی را بر اساس شاخص های ارائه شده به زیر مجموعه های همگن تقسیم کند و دیگری آنکه عناصر و اعضاء هر زیر مجموعه همگن را درجه بندی کند. این روش همچنین به عنوان مدلی شناخته شده در برنامه ریزی های منطقه ای مطرح بوده که دارای کاربردهای گسترده و متنوع می باشد.

تعیین توسعه یافتگی شهرها بر اساس شاخص ها

مرحله 1: تشکیل ماتریس داده ها و محاسبه میانگین و انحراف معیار بر اساس زیر شاخص ها
 مرحله 2: استاندارد کردن شاخص ها (نرمال سازی داده ها)

$$z_{ij} = \frac{x_{ij} - \bar{x}_j}{\sigma_j}$$

مرحله 3: محاسبه فاصله مرکب بین گزینه ها و تعیین کوتاهترین فاصله

$$d_{ab} = \sqrt{\sum_{j=1}^6 (z_{aj} - z_{bj})^2}$$

که در آن a و b دو گزینه مورد ارزیابی هستند و همچنین داریم:

$$d_{aa} = d_{bb} = 0 \quad \text{و} \quad d_{ab} = d_{ba}$$

مرحله 4: همگن سازی گزیننه ها :

برای تعیین گزیننه های ناهمگن از فاصله اطمینان (حد بالا و پایین) فاصله ها استفاده می شود و چنانچه گزیننه ای خارج از فاصله مورد باشد به عنوان گزیننه های خلی برخوردار ی فاقد توسعه حذف می شوند .

$$U_d = \bar{d} + 2\sigma_d \quad \text{حد بالا}$$

$$U_d = \bar{d} - 2\sigma_d \quad \text{حد پایین}$$

با توجه به اینکه همه مقادیر کوتاهترین فاصله هر یک از سطرهای ماتریس فواصل مرکب در مورد هر سه شاخص بین حدود بالا و پایین قرار دارند ، پس همه مکانها در مجموعه های همگن قرار گرفت و گزیننه ای حذف نگردید.

مرحله 5: تعیین الگو یا سرمشق گزیننه ها

با استفاده از فاصله هر گزیننه از مقادیر ماکزیمم مقادیر استاندارد شده هر زیر شاخص شاخص بدست می آیند

$$C_{io} = \sqrt{\sum_{j=1}^4 (z_{ij} - z_{oj})^2} \quad \text{و} \quad j=1,2,3,4,5,6$$

جدول 2) الگو یا سرمشق گزیننه ها

شهر	C_{io}		
	آموزش	بهداشت	زیر ساخت
پردیس	1.599	2.647	3.963
پرنده	4.736	4.058	4.349
هشتگرد	2.038	3.709	4.820
اندیشه	4.690	6.196	1.670
\bar{C}_{io}	2.930	4.153	3.700
$\sigma_{C_{io}}$	1.891	1.289	1.211
$CO = \bar{C}_{io} + 2\sigma_{C_{io}}$	6.712	6.73	6.122

مرحله 7: محاسبه درجه توسعه یافتگی و رتبه بندی میزان توسعه یافتگی

درجه توسعه یافتگی با رابطه $F_i = \frac{C_{io}}{C_0}$ برای هریک از شهرها محاسبه می‌شود، این معیار بین صفر و یک است و هرچه به صفر نزدیکتر باشد نشانه توسعه یافتگی بیشتری می‌باشد و نزدیکی آن به مقدار یک نشانه عدم توسعه یافتگی می‌باشد.

جدول 3) رتبه بندی درجه توسعه یافتگی براساس شاخص‌ها

رتبه کل	رتبه میانگین	F_i				رتبه آموزش	رتبه بهداشت	شهر
		رتبه	زیرساخت	رتبه	بهداشت			
1	1.33	2	0.647	1	0.238	1	0.393	پردیس
3	3.33	3	0.710	4	0.705	3	0.603	پرند
2	2.67	4	0.787	2	0.304	2	0.551	هشتگرد
2	2.67	1	0.272	3	0.698	4	0.921	اندیشه

با توجه به نتایج بدست آمده از نظر شاخص سلامت و بهداشت شهرپردیس بالاترین میزان توسعه یافتگی را داراست و شهرهای هشتگرد، پرند و اندیشه در رتبه های بعدی توسعه یافتگی بر اساس این شاخص قرار دارند. از نظر شاخص آموزش شهرپردیس بالاترین میزان توسعه یافتگی را داراست و شهرهای هشتگرد، اندیشه و پرند در رتبه های بعدی توسعه یافتگی بر اساس این شاخص قرار دارند و از نظر شاخص زیرساخت شهراندیشه بالاترین میزان توسعه یافتگی را داراست و شهرهای پردیس، پرند و هشتگرد در رتبه های بعدی توسعه یافتگی بر اساس این شاخص قرار دارند.

از ترکیب نتایج و میانگین رتبه‌ها بدست آمده پردیس دارای بالاترین توسعه یافتگی می‌باشد و شهرهای اندیشه و هشتگرد در اولویت بعدی قرار دارند و پرند از کمترین درجه توسعه یافتگی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری از یافته‌های تحقیق

در این پژوهش، درجه توسعه یافتگی شهرهای جدید از بُعد بهداشتی، آموزشی و زیرساخت مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفت. در این بررسی مفاهیمی چون، درجه توسعه یافتگی و رتبه توسعه یافتگی یک شهر نشان دهنده میزان برخورداری آن شهر از شاخص‌هایی بود که ارزیابی سطح توسعه شهر بر اساس آنها صورت

گرفته و از آنها تحت عنوان شاخص های آموزشی ، بهداشتی و زیرساخت نام برده شد . بنابراین شهرهایی که به میزبان بیشتری از این شاخص ها بهره مند بوده تحت عنوان توسعه یافته ، و شهرهایی که مقداری کمتری از این شاخص ها را در خود داشته اند و فاصله بیشتری با شهرهای مطلوب داشته اند در زمره توسعه نیافته (در مقایسه با سایر شهرها) قرار گرفتند. لازم به توضیح است که بر خوردار بودن یک شهر از لحاظ آموزشی یا بهداشتی و یا زیرساخت به معنای بالا بودن کیفیت این شاخص ها در شهر نمی باشد. به عبارتی دیگر ، شهرهایی که در رتبه پایینی توسعه یافتگی در یک شاخص هستند ، صرفاً از لحاظ کمی با تسهیلات آموزشی یا بهداشتی مواجه بوده اند، اگر چه ممکن است کیفیت آن شاخص در شهر بالا باشد . بر اساس نتایج به دست آمده، فرضیه مبنی بر وجود تفاوت و نابرابری در سطوح توسعه بین شهرهای جدید تهران تأیید می شود. و طبق آنچه که انتظار می رفت شهر جدید پردیس به دلیل شهرستان شدن ، و موقعیت جغرافیایی نسبت به تهران درجه بالاتری از توسعه یافتگی نسبت به سایر شهرها بدست آورده است . نتایج نشان می دهد که بر اساس شاخص های مورد نظر توسعه یافتگی در این تحقیق که شاخص های بهداشتی ، آموزشی و زیرساخت بوده است ، بر اساس نتایج بدست آمده پردیس در رتبه اول توسعه یافتگی ، هشتگرد در رتبه دوم و پرند و اندیشه در رتبه سوم قرار گرفتند .

نتایج نشان می دهد که بر اساس شاخص های بهداشت و درمان ، پردیس در رتبه اول توسعه یافتگی ، هشتگرد در رتبه دوم و پرند در رتبه سوم و شهر اندیشه در رتبه چهارم قرار گرفتند. شهر جدید اندیشه با گذشت نزدیکی به دو دهه از عمرش توانسته در مقایسه با دیگر شهرهای جدید تهران ، جمعیت چشمگیری را به سوی خود جذب کند. نزدیکی فاصله ی شهر جدید اندیشه با تهران و ارزان بودن نسبی زمین و مسکن شایده از مهمترین عوامل در جمعیت پذیری شهر جدید اندیشه، بوده است اما زیرساخت و امکانات رفاهی و اجتماعی متناسب با این جمعیت پذیری ایجاد نشده است که بایده متناسب با رشد جمعیت پذیری امکانات زیستی در شهرهای جدید فراهم شود .

نتایج نشان می دهد که بر اساس شاخص های آموزش ، پردیس در رتبه اول توسعه یافتگی ، هشتگرد در رتبه دوم و اندیشه در رتبه سوم و پرند در رتبه چهارم قرار گرفتند. این نتایج نشان می دهد امکانات حداقلی آموزشی، پرورشی و ورزشی در مدارس شهر جدید پرند جز مشکلاتی است که بایده به آن پرداخته شود . کمبود مدرسه در شهر جدید پرند یکی از مهمترین مشکلات مردم این شهر به شمار می رود. بخشی از دانش آموزان این شهر برای ادامه تحصیل مجبورند به رباط کریم و یا شهرهای اطراف سفر کنند. این در حالی است که جمعیت این شهر در حال فزونی است و مدارس موجود برای قطعاً جوابگو نخواهد بود و نیاز به چاره اندیشی اساسی دارد. همچنین آمار نشان می دهد که تقریباً تمام مدارس شهر اندیشه دو شیفته هستند .

به نظر می رسد توزیع عادلانه امکانات و فضاهای آموزشی بین مناطق مختلف و به خصوص در شهرهای اندیشه و پرند بر اساس ملاک محرومیت و نیز تخصیص اعتبارات بیشتر به منظور احداث یا تعمیر و گسترش مدارس و نیز تجهیز آنها به امکانات رفاهی و بهداشتی مناسب، امکانپذیر خواهد شد .

در مجموع می توان گفت که شهر جدی د پردیس (مرکز شهرستان) ، از طریق جذب فرصت های اقتصادی و اجتماعی ، امکانات ، رفاه و ثروت ، نیروی انسانی ماهر و متخصص از نواحی پیرامونی ، توسعه و گسترش فراوانی یافته است و تأثیرات پراکنشی و فضایی مفیدی را بر توسعه سایر شهرکهای پیرامونی از لحاظ توسعه نداشته و چه بسا حتی بر محرومیت نواحی محروم نیز به نوعی افزوده است ولو غیرمستقیم .

بنابراین می توان اذعان کرد که الگوی حاکم بر ساختار فضای شهرهای جدی د تهران تابع نظام "مرکز- پیرامون" است و با ادامه این روند شکاف و نابرابری کنونی عمیق تر می شود. بدین ترتیب توجه به برنامه ریزی ، مطالعه شهری جدی د به لحاظ توسعه یافتگی و شناسایی محرومیتهای و عدم برخورداری به منظور برنامه ریزی اصولی و ارائه راهبردهای صحیح و اجرای با هدف نیل به توسعه شهرهای جدی د و پیشرفت متعادل آنها ، ضرورتی اجتناب ناپذیر به شمار می آید .

پیشنهادات پژوهش

- با توجه به اینکه کیفیت آموزش و توسعه آن به عنوان یکی از مهم ترین ارکان توسعه در هر جامعه تلقی می گردد ، پیشنهاد می گردد با اتخاذ سازو کارهای مناسب نسبت به ارتقاء آنها در شهرهای جدی د بالاخص شهر های پرند و اندیشه اقدامات لازم صورت پذیری
- توجه و توسعه بخش آموزش در شهر جدی د پرند به ویژه توسعه فضاهای آموزشی امکانات آموزشی متناسب با تراکم جمعیتی پیشنهاد می گردد.
- افزایش تعداد معلمان در مقاطع مختلف تحصیلی در شهر پرند به عنوان اولویت اول و اندیشه در اولویت دوم متناسب با تراکم جمعیتی شهرها پیشنهاد می شود
- افزایش تعداد کلاسهای آموزشی و تبدیلی مدارس سنتی به مدارس هوشمند در شهر های جدی د
- شهرهای پرند و اندیشه در زمینه شاخص های بهداشتی و درمانی و تأسیس بیمارستان مورد توجه اساسی قرار گیرند ، زیرا ایجاد بیمارستان خود به خود توسعه را در ارتباط با شاخص های وابسته دیگر به همراه خواهد داشت.
- پیشنهاد می شود که مسئولان به توزیع عادلانه منابع انسانی مانند پزشکان متخصص و پزشکان و دندان پزشکان در شهرهای جدی د داشته باشند ، و به همان میزان توزیع منابع فیزیکی مانند بیمارستان ها ، مراکز توان بخشی ، داروخانه ها و ... را مورد توجه قرار دهند.
- در شهر های جدی د که محدودیت منابع محلی ، امکانات زیر بنایی دارند ، جایگاه دولت در ایجاد توسعه و فراهم ساختن امکانات مورد نیاز برای جبران عدم برخورداری حایز اهمیت ویژه ای است ، بنابراین پیشنهاد می شود نظام اداری و اجرای دولت در این شهرها از انعطاف و انطباق لازم با شرایط برخوردار باشد تا بتواند عقب ماندگی های توسعه را جبران کند .

- ارتقای راه‌های درون شهری و بهبود شبکه حمل و نقل برای ارتقاء سطح توسعه یافتگی در بخش زیر ساخت امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.
- پیشنهاد می شود دولت ، تسریع در تامین و ایجاد زیر ساخت شهرهای جدید و توسعه و گسترش آنها را به ویژه در شهر جدید هشتگرد و سپس پرند را جز برنامه های اولویت دار قرار دهد .

منابع و مأخذ

1. ابراهیم پور ، صدیقه (1389) رتبه بندی استان های ایران بر اساس شاخص های توسعه انسانی، در فاصله 1375-1385 پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه یزد.
2. احمدی حسن، اسماعیل زاده یعقوب، (1393) ارزیابی سطح توسعه یافتگی شهرستان های استان تهران ، چشم انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی، سال نهم شماره 27 ، 75-79.
3. آذر، عادل؛ رجب زاده، علی (1389)؛ تصمیم گیری کاربردی، وی رای ش اول ، انتشارات نگاه دانش ، تهران
4. اسماعیل سرخ، جعفر (1386)، نابرابری های آموزشی و نابرابری های فضای در بعد قومی و منطقه ای (مطالعه موردی دوره ابتدای استان آذربایجان غربی) در سال تحصیلی 81-1380، فصلنامه تعلیم و تربیت. سال 23، شماره 3.
5. امانپور، سعید. اسماعیلی، اعظم. جوکار، سجاد (1391)، تعین درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان خوزستان از نظر شاخص آموزشی با استفاده از روش تاکسونومی عددی. فصلنامه آمایش - محیط شماره هفدهم، 41-61
6. امیری، فاطمه، یحیی آبادی، ابوالفضل، مهدی، سعید (1392) تحلیل توسعه یافتگی با استفاده از شاخص *HDI* - اولین همایش الکترونیکی ملی چشم انداز اقتصاد ایران.
7. امینی، سخایی، یدالهی، حسینی، ایرانلو، صدیقه- (1385) رتبه بندی سلامت اسانهای کشور برای مجله رفاه اجتماعی - شماره 20، 27-48.

8. براتی ناصر، یزدان پناه، شاه آبادی، محمد رضا، ارزیابی سرمای به اجتماعی به عنوان عامل اساسی در ارتقای کیفیت زندگی در شهرهای جدید: شهر جدید پردیس، معماری در شهر سازی آرمان شهر شماره 15-289-299.
9. بیاتی، محسن؛ اکبری، رضا؛ کاوسی، زهرا؛ صدرای جواهری، احمدامینی رارانی، مصطفی؛ دلاوری، سجاد (1392). تعی بن کننده های اقتصادی اجتماعی سلامت در کشورهای غرب اقیانوس آرام: تحلی ل داده های ترکیبی. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی سال دوازدهم، شماره چهل و هفت، 110-130.
10. پورجعفر، محمد رضا؛ خدای، زهرا؛ پورخیری، علی؛ (1390)، رهیافتی تحلی لی در شناخت مولفه ها، شاخصها و بارزه های توسعه پایدار شهری، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال 3، شماره 41 □ 3-25.
11. تقوایی، مسعود و فاندرحمتی، (1385)، تحلیل شاخص های توسعه فرهنگی، استان های کشور، فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه ای 117-132.
12. تقوایی، مسعود. شاه یوندی، احمد. (1391) پراکنش خدمات بهداشتی و درمانی در شهرستانهای - ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماع. ی سال دهم، شماره سی و نهم، 33-54.
13. خمیر، غلامعلی؛ وحدتی، معصومه (1393) ارزیابی کمی و کیفی پویایی شهرهای جدید با مدل *ELECTRE* و تکنیک تحلی لی *SWAT*، مطالعه موردی شهرهای جدید پرنده بی نالود، بهارستان، سهند و صدر، جغرافیا و برنامه ریزی محلی، شماره 4، 145-162.
14. رضای، مری م. (1393). سطح بندی و سنجش درجه توسعه یافتگی شهرهای استان ایلام با استفاده از روش تحلی ل عاملی تحلی ل خوشه ای. جمعیت، 53-74.
15. رضای، مری م.، مؤذن، سهراب.، نفر، نرگس. (1393). تحلی ل رضای تمندی از شاخصهای کیفیت محیط در شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید پرنده). پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری، 31-47.
16. زیاری، کرامت اله، زنجیری، سید محمود، سرخ کمال، کبری. (1389). بررسی و رتبه بندی درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان خراسان رضوی، با تکنیک تاپسیس. پژوهش های جغرافیای انسانی، 17-30.
17. زیاری، کرامت اله. (1379). سنجش درجه توسعه یافتگی فرهنگی استانهای ایران. مطالعات جامعه شناختی، 91-104.
18. زیاری، کرامت اله. سعیدی رضوانی، نرگس، و صالح پور، بهاره. (1395). سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان آذربایجان شرقی به روش *HDI* مدی ریت بهره وری، 75-96.
19. ساروخانی، باقر؛ توکلی والا، ژاله، رستم زاده عباس (1391)، تاکسونومی عددی و کاربرد آن در تحقیقات اجتماعی، جامعه شناسی تاریخی، شماره 2، 172-195.
20. سرور، رحی م.، خلی جی، محمد. (1394). سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستانهای استان کهگیلوی و بویراحمد. پژوهش و برنامه ریزی شهری، 89-102.
21. شی رکرمی، جواد؛ بختی ارپور، سعید (1393)، ارزیابی نابرابری ها در دستیابی به فرصت های آموزشی: با مطالعه موردی مقطع ابتدایی شهرستان دهلران در سال تحصی لی 1390-91، فصلنامه آموزش و ارزشیابی، شماره 26، 41-58.
22. صافی، احمد (1390)، مسای ل آموزش و پرورش ایران، نشر وی رای ش، چاپ سوم، تهران

23. صباغ کرمانی، مجید (1380)، اقتصاد منطقه ای (تئوری و مدلها)، چاپ چهارم، انتشارات سمت، تهران.
24. طلاچیان، م. (1384)، نگاهی به شهرهای جدید ایران، شرکت عمران شهرهای جدید، تهران.
25. طحاری مهرجردی، محمدحسین؛ بابایی میبدی، حمید؛ مروتی شریف آبادی، علی (1391). رتبه بندی استان های کشور جمهوری اسلامی ایران از لحاظ دسترسی به شاخص های بخش بهداشت و درمان، فصلنامه مدیرت اطلاعات، شماره 3، 356-369.
26. عسکری، روح الله، منتظرالفرج، راضیه، فلاح زاده، حسین احمدی، جواد (1392). بررسی سطح توسعه یافتگی سمت شهرستان های استان یزد با استفاده از تکنیک تاکسونومی عددی. طلوع بهداشت سال چهارم شماره 6، 481-492.
27. محمودی، محمدجواد (1390)، محاسبه شاخص توسعه انسانی کشور، استان تهران و شهرستان های آن. فصلنامه جمعیت. شماره شصت و هفت و شصت و هشت، 81-118.
28. محمودی، اصغر؛ زیاری، یوسف علی (1391)، بررسی و ارزیابی توسعه یافتگی با استفاده از روش تاکسونومی عددی در شهرهای مرزی استان آذربایجان غربی، پژوهشگر، شماره 34، 35-49.
29. مشکینی، ابوالفضل، سلیمان، محمد، عزیزی محمد، زارع، حسین، پی‌شه نرگس (1392) ارزیابی میزان تحقق پذیری شهرهای جدید در ایران (مطالعه موردی: شهر جدید صدرا) مطالعات برنامه ریزی شهری، شماره 1 از 29-42.
30. مشکینی، ابوالفضل، منزر آبادی (1394)، رتبه بندی شهرستان های استان خراسان رضوی از نظر شهخص های توسعه یافتگی با استفاده از روش تحلیل عاملی فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان 121-145 بررسی و رتبه بندی با استفاده شماره 72.
31. معروفی، یحیی (1379)، بررسی نابرابری فرصت های آموزشی دوره متوسطه در مناطق آموزشی تابعه استان کردستان در سنوات تحصیلی 71-72 الی 77-78، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان کردستان.
32. ملکی، سعید، فیروزی محمد علی، صورت الیاس، سنجش توسعه یافتگی شهرستان های استان یزد، فصلنامه رفاهی اجتماعی سال 16 شماره 16، 59-75.
33. نعمتی، مرتضی، طهماسبی، سیامک، قرقانی، معصومه (1395). سنجش میزان توسعه یافتگی و عوامل مؤثر بر آن در نواحی روستایی استان فارس با استفاده از تحلیل عاملی و ضریب ناموزون موریس. فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، 45-58.

34. Aschauer, D. A. (1989a), "Does Public Capital Crowd Out Private Capital?", *Journal of Monetary Economics*, 24, 171-188.
35. Aschauer, D. A. (1989b), "It is Public Expenditure Productive", *Journal of Monetary Economics*, 23, 177-200. Aschauer
36. Bhatia, V.K., & S.C. Rai. (2004). *Evaluation of Socio- Economic Development in Small Areas. INDIAN SOCIETY OF AGRICULTURAL STATISTICS.*
37. Hall, Peter, 1992, *Urban Regional Planning*, 3rd ed., Landon and New York.
38. Narain, P., Sharma, S., Rai Y.K. Bhatia, S., & Bhatia, Y. (2007). *Statistical Evaluation of Socio-economic Development of Different States in India. Indian Society of Agricultural Statistics*, 328-335.
39. Sahoo, P. & Dash, R. K. (2009), "Infrastructure and Economic Growth in India", *Journal of the Asia Pacific Economy*, Rutledge, 14(4), 351-365.

40. Sanchez-Robles, B. (1998), "Infrastructure Investment and Growth: Some Empirical Evidence", *Contemporary Economic Policy*, 16, 98-108.
41. Snieska, V. & Draksaite, A. (2007), "The Role of Knowledge Process Outsourcing in Creating National Competitiveness in Global Economy", *Inzinerine Ekonomika-Engineering Economics*, 3, 35-41. *SnieskaInzinerine Ekonomika*, 16-25.
42. Straub, S. (2008), "Infrastructure and Development: A Critical Appraisal of the Macro Level Literature", *Policy Research Working Paper Series 4590*, The World Bank, East Asia and Pacific Sustainable Development Department, Operations and Policy Unit, 1-46. 1-96.
43. Sudarskis, Mickel, (2005), *In defense of new towns*, International conference on new towns, Ministry of Housing and Urban Development, 377-380.
44. Theodorakis, PN. Mantzavinis, GD. (2005). *Inequalities in the Distribution of Rural Primary Care Physicians in Two Remote Neighboring Prefectures of Greece and Albania. Rural and remote health*. 5 (3): 457.
45. Zheng, XY. Song, XM. Chen, G. You, YZ. Ren, Q. Liu, J. Zhang, L. Tan, LF. Wei, J. Chen, QY. (2011). *Health Inequalities during 20 Years of Rapid Economic Development in China (1980-2000): A Mortality Analysis. Biomed Environ Sci*. 24 (4): 329